نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۱

علی‌اصغر هادوی‌نیا*

چکیده

قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی چه نقشی می‌تواند ایفا نماید؟ این مهم‌ترین پرسشی است که مقاله در صدد پاسخ به آن است. فرضیه‌ای که مقاله به دنبال اثبات آن است، این می‌باشد که قرض‌الحسنه نقش مثبتی در برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (تعدیل مصرف، عدالت اقتصادی، مردمی‌بودن، انگیزه جهادی، سلامت اقتصادی و تولید ملی) دارد. برای اثبات این فرضیه، نخست تلاش شده است رابطه میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی و قرض‌الحسنه بررسی شود، سپس هر یک از محورهای شش‌گانه فوق به‌طور جداگانه، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی معرفی شده و نشان داده شده است که قرض‌الحسنه در ایجاد آنها چه نقشی ایفا می‌کند. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به دنبال اثبات فرضیه خود است.

واژگان کلیدی: *قرض‌الحسنه، اقتصاد مقاومتی، تعدیل مصرف، عدالت اقتصادی، مردمی‌بودن، انگیزه جهادی، سلامت اقتصادی.*

طبقه‌بندی JEL: Z19، Z12، E21.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ (alihadavinia@gmail.com).

مقدمه

قرض از عقود معوضه است؛ به‌گونه‌ای‌که مال از مالکیت قرض‌دهنده منتقل می‌شود و در برابر آن ذمّه قرض‌گیرنده ـ که یک امر اعتباری است ـ مشغول می‌گردد (موسوی خمینی، [بی‌تا]، ج۱، ص۶۵۲). نکتهٔ دیگری که در تبیین موضوع پژوهش حاضر سودمند می‌نماید، توجه به تفاوت «قرض غیر ربوی» و «قرض‌الحسنه» است؛ قرض، از جهت فقهی ـ حقوقی به عنوان یک «عقد» مطرح است و شرایط خاصی دارد که در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما از جهت اقتصادی، رفتاری است که توجه به عامل‌هایی چون انگیزش‌ها در تحلیل آن تأثیر بسیار دارد. «نیازمندبودن وام‌گیرنده» و «انگیزه معنوی و اخروی قرض‌دهنده» را باید دو رکن از ارکان قرض‌الحسنه به شمار آورد. البته در انعقاد عقد قرض رعایت این‌دو، به عنوان شرط، مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، می‌توان گفت رابطه بین «قرض غیر ربوی» و «قرض‌الحسنه» اعم و اخص مطلق است و قرض‌الحسنه زیرمجموعه «قرض غیر ربوی» شمرده می‌شود. چنین نگرشی اقتضا می‌کند که بسیاری از آثار قرض‌الحسنه در شمار آثار قرض جای گیرد. این پژوهش عموماً آثار قرض‌الحسنه را بررسی می‌کند. مراد از کلمه «قرض‌الحسنه» در این مجموعه، قرض غیر ربوی برخوردار از ارکان قرض‌الحسنه است.

از سوی دیگر، مقاومت اقتصادی دارای قدمتی طولانی است. از نخستین کسانی که به این موضوع پرداخت، می‌توان به *فردریش لیست*، بنیان‌گذار مکتب تاریخی آلمان اشاره کرد؛ اما مفاهیمی مانند اقتصاد تاب‌آور (Resilient Economy) و اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده (Vulnerable Economy) بعد از بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷ کشورهای شرق آسیا مطرح شد. این بحران نشان داد اقتصادهای پویا هم اگر مخاطرات را مدیریت نکنند، به‌شدت در بحران‌ها آسیب می‌بینند. در ادبیات اقتصاد متعارف کشور تاب‌آور دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد: سازگاری با تغییر موقعیت‌ها، تاب‌آوردن در مقابل شوک‌های ناگهانی،

خودبازیابی تا حد یک تعامل مطلوب.

اقتصاد مقاومتی در شرایطی برای نخستین‌بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ به ادبیات اقتصاد اسلامی اضافه شد که جمهوری اسلامی ایران در معرض فشارهای شدید تحریم اقتصادی قرار داشت. بیانات بعدی مقام معظم رهبری، ابعاد دیگری از مفهوم اقتصاد مقاومتی را روشن نمود. در این بیانات بر دو مؤلفه «توانمندسازی درونی اقتصاد» و «مقاوم‌سازی اقتصاد» تأکید شده است. نقطه عطف در ادبیات اقتصاد مقاومتی را می‌توان در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲ دانست. در این ابلاغیه اقتصاد مقاومتی اقتصادی درون‌زا، برونگرا، مبتنی بر روحیه جهادی، عدالت‌محور، مردم‌بنیان و دانش‌بنیان معرفی شده است.

> اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۱/۶/۲).

به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی عبارتست از: «سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه‌جانبه نظام سلطه». بر این اساس یکی از پژوهشگران اقتصاد اسلامی در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌گوید: اقتصاد مقاومتی «گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت

اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب‌راندن نظام سلطه را داشته باشد و درعین‌حال پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد» (قوامی، ۱۳۹۱).

با نگاهی عمیق به تاریخ تمدن اسلامی، ریشه‌های اندیشه اقتصاد مقاومتی را می‌توان در منابع دینی، سیره نبوی ﷺ و معصومان علیهم‌السلام و همچنین سیره فقیهان و اندیشمندان مسلمان یافت. در آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام همواره به اهمیت استقلال جامعه اسلامی تأکید شده است. بر اساس مقتضای آیه ۱۴۱ سوره نساء، تمامی مظاهر تسلط کافران بر جوامع اسلامی از جمله تسلط اقتصادی آنان غیر قابل قبول قلمداد شده است. خداوند متعال ﷻ در آیه ۶۰ سوره انفال، مسلمانان را برای صیانت از استقلال و امنیت جامعه اسلامی به تقویت همه‌جانبه قوای بازدارنده مسلمانان از جمله قوای اقتصادی آنان فرا می‌خواند.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش می‌توان به برخی از تلاش‌ها در این‌باره اشاره کرد که عبارت‌اند از:

مطیعی (۱۳۹۵) در مقاله خود به «قرض‌الحسنه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)» پرداخته است. این مقاله بیشتر به ارتباط قرض‌الحسنه و بانکداری اسلامی پرداخته و نتوانسته به‌درستی نقش قرض‌الحسنه را در اقتصاد مقاومتی تبیین کند.

عرب بافرانی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی» نیز فقط در یک صفحه پایانی مقاله تحت عنوان «نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی» به‌طور مستقیم به این بحث پرداخته است.

سیدعلیپور (۱۳۹۴) اگرچه در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش قرض‌الحسنه در

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایـات» بـه ایـن موضـوع پرداختـه، ولـی از تحلیل‌های اقتصادی چندانی برخوردار نیست.

رابطه اقتصاد مقاومتی و قرض‌الحسنه با اقتصاد اسلامی

می‌توان گفت رابطه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی، عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا اقتصاد اسلامی را می‌توان در حالت‌های مختلفـی مطـرح کـرد. یکی از این حالت‌ها، در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید مـی‌آیـد. در نظـام اقتصـادی اسـلام در ایـن وضعیت بـا تغییـر در اولویـت هـدف‌هـا و بـه تبـع آن در اصـول راهبـردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و سبب رشد جهشی می‌شود. اینجا نقطه اشتراک اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی است.

اما درباره جهت افتراق می‌توان به بیانات مقام معظم رهبری استناد کرد:

> گرایش به اقتصاد مقـاومتی مخصـوص مـا هـم نیسـت؛ امـروز در بسـیاری از کشورها ـ به‌خصوص در این سال‌های اخیر ـ با تکانه‌های شدید اقتصادی کـه در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشـان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد ... خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصـاد مقاومتی را. به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشـند (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

اما برای اینکه به جایگاه قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی اشـاره شـود، بهتـر است رابطه آن با ربا معین شود. حرمت ربا از احکام تردیدناپذیر اسلام و بلکـه همهٔ ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود. در ربای قرضی، وام‌دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض مـی‌دهـد. در قـرض شرط گرفتن سود جایز نیست؛ خواه این شرط به‌طور صـریح بیـان شـود یـا در

ضمیر باطن مورد قصد قرارگرفته و قرض مبتنی بر آن منعقد گردد. چنین وامی، همان ربای قرضی است که بر حرمت آن تأکید شده است (موسوی خمینی، [بی‌تا]، کتاب القرض، مسئله ۱۰).

البته برای تشویق قرض‌دهندگان، تعیین جایزه اشکال ندارد (ابراهیمی، ۱۳۷۱، ص۸۳). در واقع این جایزه ضمن قرارداد قرض مطرح نمی‌شود و هیچ حقی برای قرض‌دهنده به ارمغان نمی‌آورد (عبدالهی، ۱۳۷۱، ص۲۸۲)؛ به‌ویژه اگر جایزه به صورت قرعه‌کشی احتمالی باشد. البته این جوایز در انگیزه سپرده‌گذاران تأثیر خواهد گذاشت.

اما هنگام بازپرداخت، قرض‌گیرنده می‌تواند، افزون بر مال قرض‌گرفته‌شده، زیاده‌ای نیز به بستانکار بازگرداند. معصومان علیهم‌السلام چنین عملی را پسندیده شمرده و به آن سفارش بسیار کرده‌اند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

«همانا بهترین مردم کسی است که بدهی‌اش را به نیکوترین وجه پرداخت کند» (ابن‌حنبل، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۵۰۹/ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج۳، ص۸۳).

«بهترین قرض آن است که با خود سودی بیاورد» (کلینی، ۱۳۸۸، ج۵، ص۲۵۵/ حلی، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۳۹۷).

نتیجهٔ کلی این مطالب آن است که در «قرض حسن» وام‌دهنده نباید با هدف گرفتن سود قرض بدهد؛ ولی بهتر است وام‌گیرنده، هنگام بازپرداخت، داوطلبانه زیاده‌ای بر مال بیفزاید.

نهاد قرض می‌تواند در دو نظام مختلف به اجرا درآید که از جهت کیفیت و کمیت و آثار تفاوت‌های بسیار دارند.

۱. صندوق تعاون

تعاون تشکیلاتی است که افراد، با اراده خود و با حقوق مساوی، برای دفاع از منافع اقتصادی خود در آن گرد می‌آیند (ر.ک به: آهی، ۱۳۴۸، ص۳). در این سیستم، سپرده‌گذاران که از طبقه درآمدی هم‌سطح هستند، مبلغی به عنوان

سپرده در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا پس از جمع‌آوری، با شرایط معیّنی در قالب وام به اعضا داده شود. البته باید بر اساس قرض متقابل یا قرض به شرط قرض نباشد؛ یعنی صندوق هیچ تعهدی به پرداخت قرض به هیچ‌یک از افراد نداشته باشد و نیز افراد نیز انگیزه اولیه‌شان این باشد که بخواهند نیازی از دیگران را برطرف کنند.

۲. صندوق معاونت

تعاون همکاری متقابل است؛ ولی معاونت کمک و یاری یکی به دیگری است (ر.ک به: خدایار محبّی، ۱۳۴۹، ص۴). در این سیستم، گروهی که از طبقات درآمدی بالاتر شمرده می‌شوند، برای یاری‌رساندن به طبقات پایین‌ترِ درآمدی نقدینگی خود را به‌طور موقت مسدود کرده و در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا در قالب وام در اختیار افراد خاص و یا نیازمندانی که صندوق تشخیص می‌دهد، قرار گیرد.

ناگفته پیداست که انگیزهٔ قرض‌دهندگان در آثار آن تأثیر بسیار دارد؛ پس باید میان قرض‌دهندگانی که انگیزهٔ معنوی دارند و کسانی که از انگیزهٔ مادی بهره می‌برند، تفاوت قائل شد. در صورت نخست، می‌توان به‌جای واژهٔ «قرض» از عنوان «قرض‌الحسنه» در نام‌گذاری سیستم استفاده کرد (ر.ک به: رجایی، [بی‌تا]، ص۸۷). توجه به این نکته در کیفیت جذب منابع نیز تأثیر بسزایی دارد.

تعدیل مصرف در اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قرض‌الحسنه

در این بخش نخست به نقش مصرف در اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود و سپس رابطه آن با قرض‌الحسنه توضیح داده می‌شود.

هشتمین بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به رابطه اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف به صورت زیر اشاره دارد:

«مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف

و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید».

دولت اسلامی، بنگاه‌های خصوصی، خانوارها، افراد و بخش سوم (بخش خیرخواه و انفاق‌کننده) برای تحقق الگوی مصرف بهینه، پایدار و موافق فقرا وظایفی بر عهده دارند؛ اما این دولت است که می‌بایست با اتخاذ سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نقش حاکمیتی خود را ایفا کند. درباره نقش الگوی مصرف بهینه، باید به مسئله ضرورت زمان برای کشورهای درحال‌توسعه اشاره کرد؛ زیرا این کشورها هنوز به رشد اقتصادی خودپویا نرسیده‌اند، لذا اگر بخواهند از توسعه‌یافته‌ها در مصرف تقلید کنند لازمه‌اش گذشتن از مرحله تولید انبوه و رسیدن به مرحله مصرف انبوه است؛ درحالی‌که کشورهای در حال پیشرفتی مانند ایران هنوز در مرحله خیز اقتصادی هستند و می‌بایست به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر اهمیت دهند. این نکته نیز نباید فراموش شود که یکی از راهکارهای «غربی‌کردن جهان سوم» از طریق گسترش اقتصاد «مصرف انبوه» نخست در میان نخبگان شهری و سپس در میان بخش‌های وسیع‌تری از مردم می‌باشد. البته نباید مصارف عرفی و متناسب هر عصر را منع کرد، بلکه محروم‌کردن مردم و سرکوب نیازهای واقعی خودش نوعی ظلم است؛ بنابراین تنها از نیازهای کاذب می‌بایست به روش‌های مسالمت‌جویانه صرف‌نظر کرد.

برای تحقق استقلال اقتصادی باید دو تغییر عمده در الگوی مصرف رخ دهد:

۱. اسراف و تبذیر که در اسلام به‌شدت نهی شده از الگوی مصرف حذف شود.

۲. فرهنگ مصرف از کالای خارجی به کالای داخلی تغییر کند.

این دو تغییر سبب می‌شود مصرف کل کاهش یافته و نیاز به خارج به

حداقل برسد؛ بدین‌ترتیب مدیریت تغییر الگوی مصرف جامعه در جهت حذف اسراف و تبذیر و افزایش مصرف کالاهای داخلی از سیاست‌های ضروری در جهت استقلال اقتصادی است.

مکتب اقتصادی اسلام برای اصلاح الگوی مصرف، ضمن توجه کامل به سالم‌سازی اقتصاد، به ارزش‌ها، نهادها و سازمان‌های مخصوص به خود تکیه نموده و الگوی مصرف نامطلوب موجود را از طریق ارزش‌های اخلاقی و فقهی، نهادهای دولتی و مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت‌نهاد با عملیاتی‌کردن این ارزش‌ها از طریق سیاست‌ها به نحوی تغییر می‌دهد که:

مصرف سهم همه باشد؛ یعنی نیازهای اساسی همه مردم تأمین شود. قابلیت‌ها تقویت شود؛ یعنی فقر مطلق و نسبی از طریق کارآفرینی، رشد اشتغال‌زا و کاهش نابرابری به حداقل برسد. مسئولیت الهی مصرف لحاظ شود؛ یعنی در ترکیب کالاها و خدمات نهایی به مصارف مورد رضایت شریعت توجه شود. مسئولیت اجتماعی مصرف در نظر گرفته شود؛ یعنی حقوق همنوعان مراعات شده و از سوی دیگر، از اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی که سهم دیگران را کاهش می‌دهد اجتناب شود. پایداری مصرف رعایت شود؛ یعنی مصرف نسل آتی فدای نسل فعلی نشود. مقام معظم رهبری رابطه میان مدیریت مصرف و جهاد اقتصادی را این‌گونه بیان می‌کنند:

> مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف بلاشک در برابر دشمن حرکت جهادی است انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی‌سبیل‌اللّه را دارد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳/ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲).

رابطه قرض با مصرف را نیز می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

برای بررسی اثر قرض بر تابع مصرف ملی می‌توان نخست به رفتار مصرف یک خانوار مسلمان پرداخت و سپس به مصرف ملی منتقل شد. این روش در اقتصاد کلان مطرح است که از طریق بررسی رفتار فرد و سپس «جمع‌کردن» (Aggregate) آنها، مطالعه متغیرهای اقتصاد کلان سامان می‌یابد (Samulson & Nordhous, 1992, p.442).

با توجه به آنچه درباره ماهیت و جایگاه قرض گذشت، می‌توان گفت: فرد مسلمان به دلیل کراهت قرض‌گرفتن، تمایل دارد جریان درآمد دائمی خود را بر مبنای طریق طبیعی کسب درآمد (تولید و افزایش ارزش افزوده) قرار دهد و قرض را در موارد ضروری راهگشای مشکلات خود می‌داند. چنین ذهنیتی سبب می‌شود قرض در دید فرد مسلمان «درآمدی موقت و گذرا» به شمار آید نه دائمی؛ بنابراین طبق نظریه درآمد دائمی، قرض از این جهت بر تابع مصرف فرد تأثیری نخواهد داشت.

قرض می‌تواند از جهت تغییر ثروت نیز بر مصرف تأثیر نهد؛ زیرا وام‌گیرنده، با توجه به اینکه قرض را درآمد گذرا می‌داند، کالاهای مصرفی بادوام می‌خرد و در واقع بر مخارج مصرفی خود ـ و نه مصرف خود ـ می‌افزاید. کالاهای مصرفی بادوام قسمتی از ثروت مادی شمرده می‌شود؛ پس این امکان وجود دارد که با بالا رفتن ثروت، مصرف نیز افزایش یابد؛ اما چون فرد می‌داند که باید وام را در آینده بازپس دهد، بخشی از درآمد جاری آینده‌اش را به این امر اختصاص می‌دهد. پس آن قسمت از درآمد جاری که به مصرف اختصاص می‌یابد دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. مقدار این تغییر به چگونگی بازپرداخت وام و نیز منبع جبران آن بستگی دارد. اگر زمان بازپرداخت طولانی‌تر و پرداخت اقساط وام از طریق افزایش ساعات کار یا دستمزد ممکن باشد، مقدار نزول مصرف کالای مصرفی بی‌دوام کاهش می‌یابد؛ بنابراین تأثیر

قرض بر مصرف، از جهت تغییر ثروت، به برایند دو اثر مذکور بستگی دارد.

اثر قرض بر مصرف از جهت تعدیل اقتصادی نیز قابل بررسی است: یکی از آثار قرض، اثر توزیعی است. قرض به توزیع مجدد درآمد می‌انجامد؛ ولی آیا قرض، از این جهت، بر تابع مصرف و انتقال آن اثر می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت: اثر توزیع درآمد بر مصرف به سیاستی که جهت تحقق این امر اتخاذ می‌شود، وابسته است؛ اگر از وام و ایجاد بدهی استفاده شود، احتمال می‌رود فرد به دلیل انتظاری که در مورد بازپرداخت وام دارد، بر مصرف دائمی خود نیفزاید و تابع مصرف منتقل نشود.

عدالت اقتصادی در اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قرض‌الحسنه

اقتصاد مقاومتی اقتصادی عدالت‌محور است؛ اقتصادی که در آن علاوه بر افزایش تولید ملی، درآمد ملی به شکلی عادلانه توزیع شود. ظهور بی‌عدالتی در اقتصاد موجب افزایش آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شود. بروز فساد اقتصادی، احتکار، پول‌شویی، ارتشاء، اختلاس، رانت و قاچاق به معنی گسترش ظلم اقتصادی در جامعه و عدم تحقق اقتصاد مقاومتی است. مقام معظم رهبری در مورد اهمیت عدالت در اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند:

> این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند؛ ... شاخص عدالت، عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است ... عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش‌دادن است (بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

عدالت‌محوری در اقتصاد مقاومتی مستلزم تأمین حد قابل قبول از بهره‌مندی از رفاه برای همه افراد جامعه (حد کفاف)، برابری همگان در دسترسی به فرصت‌ها جهت به ظهوررساندن استعدادهای باطنی و ارضای نیازهای ضروری

خود (عدالت در توزیع قبل از تولید)، سهم‌بری عادلانه از تولید (عدالت در توزیع پس از تولید)، تکافل اجتماعی و همچنین تقویت توازن اجتماعی است. بدون شک وجود فقر، نابرابری در فرصت‌ها و فاصله‌گرفتن از توازن اجتماعی موجب افزایش آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شود.

برای بررسی رابطه قرض‌الحسنه و عدالت اقتصادی می‌توان به نقش آن در توزیع درآمد توجه کرد؛ ازآنجاکه وام‌دهنده بخشی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض اختصاص می‌دهد، می‌توان گفت: قرض پس از تحقق توزیع درآمد به‌وسیله سازوکار بازار و نیز بعد از اعمال سیاست‌های مالی دولت مطرح است. از سوی دیگر، هنگامی زمینه قرض‌دادن فراهم می‌آید که حتی پس از دو مرحله مذکور، بعضی از نیازهای نیازمندان برآورده نشده است. البته نیازمندانی قرض دریافت می‌کنند که توانایی بازپرداخت داشته باشند. نیاز وام‌گیرنده محور قرض است و مبلغ بازپرداخت در واقع بخشی از درآمد آینده اوست که در برابر کارش به او تعلق خواهد گرفت؛ بنابراین در این نهاد هر دو معیار توزیع یعنی نیاز و کار مورد توجه قرار گرفته است. البته رفع نیازهای گروه دیگری از نیازمندان که توانایی بازپرداخت ندارند، باید به یاری سیاست‌های اجتماعی دولت در توزیع درآمد (کمک‌ها و اعانه‌های اجتماعی) و نیز صدقات و انفاق‌های خصوصی تحقق یابد.

درباره توجیه اقتصادی تأثیر قرض بر توزیع درآمد، دوگونه نگرش قابل ارائه است: در نگرش خرد می‌توان گفت: اگر فرد در آغاز دوره اول برای رفع نیاز ضروری‌اش وام نگیرد، باید اندک‌اندک پس‌انداز کند و در انتهای این دوره نیازش را برآورده سازد؛ پس در واقع، بدون قرض، به اندازه طول زمان کسب درآمد از امکان مصرفش کاسته می‌شود؛ ولی اگر قرض بگیرد، می‌تواند از آغاز همان دوره اول بر درآمد قابل تصرف و در نتیجه مصرف خود بیفزاید؛ هرچند باید با اختصاص پس‌انداز تدریجی‌اش، وام را در انتهای دوره بازپردازد؛ بنابراین

با نگرش خرد، قرض زمان برخورداری از درآمـد و مصـرف را در طـول دوران زندگی، فزونی می‌بخشد.

اما در نگرش کلان باید به نوع سیستم قرض توجه کرد؛ ازآنجاکـه صـندوق تعاون قرض در میان افرادی که سطح درآمد یکسانی دارند، شکل می‌گیـرد، اثـر آن به صورت افقی است؛ یعنی این سیستم سبب می‌شـود درآمـدی کـه در هـر دوره به طبقات کم‌درآمد اختصاص می‌یابد، در اثر تبدیل بـه کـالای بـادوام، در همان طبقه تثبیت شود و به طبقه دیگر منتقل نگردد.

اما صندوق معاونت قرض بر توزیع درآمد اثر طولی می‌نهـد؛ زیـرا در ایـن سیستم ثروتمندان بخشی از مال خـود را جـدا مـی‌کننـد و بـه فقـرا اختصـاص می‌دهند. البته اگر فعالیت این صندوق استمرار یابد، می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پیش‌بینی کرد. پـس در هـر مقطـع زمـانی بخشـی از درآمد ثروتمندان در اختیـار نیازمنـدان قـرار دارد، هرچنـد در مقطـع بعـد بایـد بازپرداخت شود.

با چنین نگرشی می‌توان گفت: در نهاد قرض، چه به صورت تعـاون و چـه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید بـه گـروه‌هـای کـم‌درآمـد و خرج‌کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عـدالت اجتماعی آثار مثبت بر جای می‌نهد که با کشش‌پذیری عرضه و قابلیت ظرفیـت تولیدی آزاد، در زمینه کالاهای ضروری، همراه باشد وگرنـه بـا افـزایش تقاضـا برای این کالاها سطح قیمت‌ها فزونـی مـی‌یابـد و آثـار تـوزیعی قـرض خنثـی می‌شود. با توجه به اهداف دولت اسـلامی در زمینـه عـدالت اجتمـاعی دولـت موظف است چنین قابلیت‌هایی پدید آورد.

در بررسی آثار اقتصادی قرض بر توزیع درآمد بـه ویژگـی‌هـای مهـم زیـر برمی‌خوریم:

۱. قرض، برخلاف مالیات‌ها، سبب انتقال اختیارات درآمـد افـراد بـه دولـت

نمی‌شود؛ پس تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اجتماعی به وجود برنامه‌های درست در چارچوب بودجه‌های عمومی وابسته نیست. در قرض (خصوصی) وام‌دهنده به‌طور مستقیم قرض را به نیازمند منتقل می‌کند و دولت هیچ‌گونه نقش واسطه‌ای ندارد تا درستی یا نادرستی برنامه‌هایش در آثار قرض بر توزیع درآمد دخالت مستقیم داشته باشد.

۲. قرض با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی کامل دارد. با توجه به اینکه در قرض هیچ اجباری مشاهده نمی‌شود و وام‌دهنده به انتخاب و اختیار خود در این راه گام می‌نهد، می‌توان گفت که در قرض احترام به مالکیت خصوصی به‌طور کامل مشهود است. از سوی دیگر، ثروتمندان می‌دانند که مالکیت آنها پس از مرتبه مالکیت مطلق خداوند است و مطابق تعالیم الهی در برابر نیازمندان مسئولیت دارند. این امر انگیزه کافی در آنها پدید می‌آورد تا با اختیار و آزادی وام دهند. احترام به مالکیت خصوصی و نیز رعایت اختیار و آزادی افراد موجب می‌شود که نهاد قرض با انگیزه افزایش تولید و رشد اقتصادی منافاتی نداشته باشد.

۳. در قرض مبلغ وام به خرید کالاهای ضروری اختصاص می‌یابد. این امر سبب می‌شود منابع موجود در اقتصاد از طریق سیستم قرض به تولید کالاهای ضروری تخصیص یابد و در جهت تولید کالاهای لوکس جریان نیابد؛ پس قرض سیستمی است که تخصیص مطلوب منابع نیز در آن لحاظ شده است. البته باید توجه داشت که هرچند در نظام اقتصاد اسلامی تولید کالاهای لوکس نیز در برخی از موارد پیش‌بینی شده است ولی به دلیل هدف‌بودن عدالت اجتماعی و حصول آن از طریق برآورده‌شدن نیازهای ضروری عمومی، جهت‌گیری تخصیص منابع در این زمینه از مطلوبیت اولیه برخوردار است.

۴. شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب چنین است:

الف) انگیزه‌های تولید از افراد سلب نشود؛

ب) تخصیص عوامل تولید به بهترین شکل صورت گیرد؛

ج) در درازمدت، زمینه برای پدیدآمدن انحصار پدید نیاید؛

د) در جهت بالابردن سطح زندگی عمومی باشد (ر.ک به: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ص۳۵۳ - ۳۵۸).

در قرض نیز شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب به چشم می‌خورد؛ زیرا:

الف) با قرض‌دادن انگیزه‌های تولید از افراد سلب نمی‌شود؛

ب) قرض بعد از اعمال سازوکار قیمت‌ها در محدوده تولیدات مباح محقق می‌شود؛

ازاین‌رو، در آغاز به‌وسیله سازوکار بازار، بالاترین سود برای مصرف‌کننده و تولیدکننده تحقق می‌یابد. البته فرض بر این است که سازوکار بازار در تخصیص بهینه منابع عامل مهم است.

ج) قرض زمینه تحقق انحصار را فراهم نمی‌آورد؛ زیرا با انتقال موقت مالکیت به طبقه نیازمندان در واقع یکی از عوامل پیدایش انحصار که مالکیت است، خنثی می‌شود؛ از سوی دیگر، ازآنجاکه در قرض‌الحسنه خصوصی انتقال مالکیت به دولت نیز تحقق نمی‌یابد، در این سیستم توزیعی، برخلاف مالیات، انحصار دولتی نیز پدید نمی‌آید.

با توجه به اینکه «نیاز» از ارکان قرض است، می‌توان قرض را ابزار مناسبی در جهت ایجاد زندگی متناسب دانست.

جنبه دیگری از تأثیر قرض‌الحسنه در عدالت اقتصادی را می‌توان با توجه به گستره تولید مطرح کرد. در صورتی که از قرض‌الحسنه در گستره تولید استفاده شود، به افرادی که توانمندی کار داشته ولی از سرمایه کافی برخوردار نیستند، قرض داده می‌شود. این عمل معمولاً در زمینه‌هایی صورت می‌گیرد که از امور ضروری بوده اگرچه سود کافی حاصل نشود و یا افراد به‌گونه‌ای هستند که

هنوز از تجربه کافی برای کسب سود متعارف را دارا نمی‌باشند. در این حالت قرض‌الحسنه زمینه لازم برای توزیع اولیه درآمد را فراهم می‌آورد.

مردمی‌بودن در اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قرض‌الحسنه

> مردمی‌کردن اقتصاد به معنای مشارکت مردم در اقتصاد نیست؛ بلکه به معنای تکیه به مردم در فعالیت‌های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند. اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد؛ مردمی‌کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳).

از سوی دیگری مردم‌بنیاد بودن اقتصاد مقاومتی را می‌توان با توجه به ویژگی درون‌زایی آن، این‌گونه مطرح نمود:

> این اقتصاد [مقاومتی] درون‌زاست. درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد ... اقتصادی است متّکی به مردم ... این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست؛ اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند ... کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دستِ مردم است؛ مال مردم است (بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

مردمی‌بودن را باید با توجه به میزان دخالت دولت تعیین کرد. در واقع این‌دو، دو روی یک سکه‌اند. هدف اصلی از تشکیل دولت، برقراری عدالت اجتماعی است. میزان دخالت دولت در اقتصاد نیز با توجه به همین معیار معین می‌شود. در صورتی که عدالت اجتماعی بدون دخالت دولت تأمین شود، نیاز به مداخله دولت نیست. به هر میزان که عدالت اجتماعی به خطر افتاده و به‌وسیله افراد تأمین نشود، دولت باید مداخله نماید. دخالت دولت در سه سطح امکان‌پذیر است: برنامه‌ریزی، نظارت، تصدی. در سطح برنامه‌ریزی این امکان

وجود دارد که افراد به علت اینکه ممکن است نگرش کلان نداشته باشند، نتوانند در این سطح برنامه‌ریزی نمایند؛ به همین خاطر لازم است دولت برنامه لازم را درباره موضوع مورد نظر جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تهیه نموده و در اختیار آنها قرار دهد. در سطح نظارت نیز دولت این اختیار را دارد که بر فعالیت‌های اقتصادی چه آن قسمت که آزاد عمل می‌کنند و چه آن قسمت که تحت برنامه دولت عمل می‌نمایند، نظارت کرده تا مخل عدالت اجتماعی عمل ننمایند. در سطح تصدی‌گری نیز در صورتی که زمینه‌ای وجود داشته باشد که در تحقق عدالت اجتماعی ضرورت داشته، اما افراد انگیزه کافی در مشارکت را نداشته باشند، دولت وارد عمل شده و زمینه مزبور را عملیاتی می‌نماید.

درباره نهاد قرض‌الحسنه هر سه سطح باید بحث شود: درباره سطح برنامه‌ریزی باید گفت صندوق‌های قرض‌الحسنه به دلیل نگرش خردی که دارند، توانمندی لازم در جهت توجه به اهداف کلان را ندارند. به همین خاطر لازم است سازمان‌دهی شوند؛ سازمان‌دهی آنها می‌تواند با تکیه بر یک برنامه کلان که از سوی دولت تعیین می‌شود، صورت گیرد؛ اما درباره سطح نظارت می‌توان گفت نظارت بر تمامی فعالیت‌های نهادهای قرض‌الحسنه حتی‌الامکان باید صورت گیرد. معیار اصلی این نظارت نیز میزان مطابقت فعالیت‌های مزبور با ساختار انگیزشی این نهاد می‌باشد. نظارت مزبور می‌تواند به‌طور مستقیم توسط بانک مرکزی و یا به‌طور غیر مستقیم توسط یک نهاد شبه‌دولتی باشد. پیشنهاد می‌شود این نهاد شبه‌دولتی جنبه مردمی و غیر انتفاعی داشته باشد تا با ماهیت نهاد قرض‌الحسنه هماهنگ‌تر باشد؛ برای نمونه می‌توان از کمیته امداد امام خمینی﵀ یاد کرد. به‌طورکلی نظارت غیر مستقیم با ساختار انگیزشی قرض‌الحسنه سازگارتر بوده و برای دولت هزینه کمتری دارد.

نقش دولت در نهاد قرض‌الحسنه در شرایط بحرانی همچون جنگ و رکود اقتصادی متفاوت می‌باشد. در این شرایط دولت می‌تواند در سطوح برنامه‌ریزی

و نظارت دخالت بیشتری حتی به صورت مستقیم داشته باشد. دولت می‌تواند در سطح تصدی‌گری نیز دخالت نماید. این دخالت می‌تواند به صورت تخصیص برخی وجوه در جهت اختصاص قرض‌الحسنه به نیازمندان صورت گیرد. بدیهی است که تخصیص این وجوه بر تقاضای کل می‌افزاید و انتظار می‌رود که یکی از عوامل اصلی رکود اقتصادی یعنی کمبود تقاضای کل را برطرف نماید.

دخالت دولت در نهاد قرض‌الحسنه می‌تواند جهت تشویقی یا تنبیهی داشته باشد. به نظر می‌رسد ازآنجاکه ماهیت این نهاد با مردمی‌بودن سازگاری بیشتری دارد، جهت تشویقی‌بودن دخالت دولت بر کارآمدی آن می‌افزاید؛ زیرا جهت تنبیهی سبب می‌شود که از مقدار فعالیت‌های این نهاد کاسته شود، این در حالی است که جهت تشویقی بر آن می‌افزاید. ازآنجاکه کارکرد نهاد قرض‌الحسنه در گسترش عدالت اقتصادی مثبت می‌باشد، به نظر می‌رسد که دولت دلیل قانع‌کننده‌ای برای گسترش این فعالیت داشته باشد. علاوه بر این جهت تنبیهی دخالت دولت، سبب می‌شود قسمت مهمی از این‌گونه فعالیت‌ها به صورت پنهان انجام شود. این به معنای ایجاد بازار سیاه در این‌گونه فعالیت‌ها می‌باشد؛ بنابراین بر هزینه فرصت آن می‌افزاید و به همین خاطر قرض‌گیرندگان با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهند شد.

انگیزه جهادی در اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قرض‌الحسنه

«جهاد»، بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین است (نجفی، ۱۳۹۴ق، ج۲۱) داشتن انگیزهٔ جهاد اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی است (ر.ک به: www.Khamenei.ir).

شعار «جهاد اقتصادی» در سال ۱۳۹۰ را نیز می‌توان در ارتباط با تعریف گفته‌شده از اقتصاد مقاومتی دانست. ایشان «جهاد اقتصادی» را تکلیفی می‌دانند

که تا زمانی که دشمن ما را تهدید می‌کند استمرار دارد و اختصاص به سال ۹۰ که به نام «جهاد اقتصادی» نام‌گذاری شد، ندارد.

مقام معظم رهبری در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغی به صف‌آرایی دشمن در برابر ملت بزرگ ایران و تحمیل جنگ تمام‌عیار اقتصادی به ایران اشاره کرده و نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی برای تحقق این سیاست‌ها را جهاد مقدس نامیده و تصریح می‌فرمایند که این سیاست‌ها با رویکرد جهادی ابلاغ می‌گردد. در متن سیاست‌ها نیز یکی از سیاست‌ها را در بند بیستم، تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه، بر می‌شمارند.

چنان‌که بررسی شد، مهم‌ترین عنصر مفهوم اصطلاحی جهاد، برخورداری از انگیزه غیر مادی است. انگیزه جهادی در قرض‌الحسنه را باید مربوط به قرض‌دهنده دانست. قرض‌دهنده، بی‌آنکه در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد. در این موقعیت، نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید آن است که انگیزه این رفتار اقتصادی چیست؟

در پاسخ بدین پرسش باید گفت: هر یک از امور زیر می‌تواند وام‌دهنده را بدین کار برانگیزد:

۱. پاداش آن جهانی

نخستین انگیزه قرض که در فرهنگ اسلامی بر آن پافشاری شده، پاداش آن جهانی است. مضمون چند روایت در این زمینه به صورت زیر است:

هر که به برادر مسلمانش وام دهد، در برابر هر درهم به اندازه کوه اُحُد و کوه‌های رضوا و طور سینا برایش کردار نیک نگاشته می‌شود و اگر در بازپس‌گرفتن آن در زمان تعیین‌شده آسان بگیرد، در رستاخیز که نیکوکاران پاداش داده می‌شوند، او چون برق شتابان از «صراط» می‌گذرد (نجفی، ۱۳۹۴ق،

ج۲۵، ص۱/ کلینـــی، ۱۳۸۸ق، ج۴، صـــص۱۰ و ۳۴/ مجلســـی، ۱۳۶۲، ج۱۰۳، صص۱۳۸ و ۱۴۰/ متقی هنـدی، ۱۹۷۷م، ح۱۵۳۷۴/ صـدوق، ۱۳۹۲ق، ص۳۴۱/ حر عاملی، ۱۳۸۷، ج۱۳، ص۸۸).

امام *صـادق*ﷺ فرمودند: قرض‌دادن مال را بیشتر دوسـت دارم تـا آنکـه آن را ببخشم (مجلسی، ۱۳۶۲، ج۱۰۳، ص۱۳۹).

تمامی این روایات در واقع توجه به بُعد اخـروی انسـان دارنـد. یـک فـرد مسلمان که با فرهنگ اسلامی زندگی می‌کند با چنین مفـاهیمی آشناسـت. پـس بسیار منطقی است که انگیزه چنین رفتاری در وی وجود داشته باشد.

۲. کسب اخلاق پسندیده

یکی از اهداف انسان‌های کامل، به‌دست‌آوردن اخلاق پسندیده اسـت. هرچنـد پیامبر اکرمﷺ برای کامل‌کردن مکارم اخلاق آمده اسـت، ولـی کسـب اخـلاق نیک به اسلام اختصاص ندارد و از اهـداف همـه ادیـان اسـت. بخـل از رذایـل اخلاقی است و در برابر آن، سخاوت و بخشش از اخـلاق پسـندیده بـه شـمار می‌آید. قرض رفتاری است کـه در سـایه ایـن صـفت پسـندیده پدیـد مـی‌آیـد (مجلسی، ۱۳۷۰، ج۱۹، ص۴۲۴).

قرض از ثمرات سخاوت است؛ زیرا سخاوتمند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد، قـرض بدهد؛ چنان‌که راضی می‌شود مالش را ببخشد، درحالی‌که این رفتار برای بخیـل مشکل به نظر می‌رسد (نراقی، ۱۳۸۳، ج۲، ص۲۲۸).

۳. نوع‌دوستی

انسان موجودی اجتماعی است و هر اجتمـاعی بـه تعـاون و همیـاری نیازمنـد است. تعاون امری ضروری است وگرنه افراد به منافع خود نخواهند رسید. البته هرچه سطح این تعاون بالاتر رود، زندگی اجتماعی منسجم‌تر می‌شود. قرض نیز

نوعی تعاون اجتماعی است که می‌تواند از حس نوع‌دوستی افراد سرچشمه بگیرد (قبانچی، ۱۳۶۵، ج۲، ص۲۷۰).

آموزه‌های بالا نشان می‌دهد که در گستره‌های تولید ثروت و مصرف اگر رفتارها با انگیزه جهادی همراه باشد، قرض‌الحسنه می‌تواند به صورت کارآمدی نقش‌آفرین باشد. در صورتی که قرض‌الحسنه را بتوان در گستره تولید به اجرا درآورد، می‌توان اشتغال مولد و بهره‌وری بالا را همراه با استقلال اقتصادی انتظار داشت؛ زیرا در این صورت منابع تولید از بین سرمایه‌های راکد داخلی تأمین شده و نیازی به وابستگی به سرمایه‌های خارجی نیست.

سلامت اقتصادی در اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قرض‌الحسنه

نبود فساد و داشتن روابط اقتصادی سالم یکی از شروط اجرای اقتصاد مقاومتی است؛ ازاین‌رو بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...» پافشاری می‌کند.

سطح بالای فساد مالی می‌تواند سبب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شود. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که فساد سبب کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به‌سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد. همچنین سبب پرورش سازمان‌های وحشتناکی مانند مافیا می‌شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می‌تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد (محنت‌فر، ۱۳۸۷).

مقام معظم رهبری درباره ارتباط سلامت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند:

نکته نهم [از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی]، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۲).

از جملات بالا رابطه میان فساد اقتصادی، امنیت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو جمله استخراج نمود:

– برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد؛

– «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن» به عنوان بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

از لوازم اقتصاد سالم، نظام درست توزیع ثروت و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی است. نبود فساد اقتصادی نیز از شرایط و لوازم اصلی یک اقتصاد سالم می‌باشد. همچنین از اصول اولیه اقتصاد سالم، حیات و قابلیت رشد ثروت است. در یک اقتصاد سالم درآمد کارگزاران اقتصادی در قبال کار مفید آنان است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ملعون است کسی که سربار دیگران باشد» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج۱۷، ص۳۲).

ازآنجایی‌که نیروهای مشوق و یا بازدارنده درونی موجود در انسان، نقش بسزایی در تحریک و یا تسکین اراده ایفا می‌کنند، محرک‌ها و بازدارنده‌های خیرخواهانه با انگیزه‌های اخروی عنصری مهم در تأمین سلامت اقتصادی، محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، در کنار ابزارهای نظارتی قانونی و فیزیکی و یا تلاش برای ترمیم زیرساخت‌های اقتصادی که هر یک مانع از ایجاد و گسترش فساد در نظام اقتصادی می‌شود، مسئلهٔ نوع‌دوستی و رعایت انصاف در برابر سایر همنوعان، از مسائل مهمی است که در آموزه‌های اسلامی بدان تأکید شده است.

یکی از عواملی که می‌تواند رابطه قرض‌الحسنه و سلامت اقتصادی را معین

کند، به رابطه این نهاد با ربا بازگشت می‌کند. چنان‌که گفته شد، حرمت ربا از احکام تردیدناپذیر اسلام و بلکه همه ادیان آسمانی است. ربای قرضی یکی از انواع ربا شمرده می‌شود که وام‌دهنده، مال خود را به شرط دریافت سود قرض می‌دهد. با وجود وجوه قرض‌الحسنه در جامعه، تقاضا برای ربای قرضی به‌طورکلی از بین رفته و این فساد اقتصادی تحقق نمی‌یابد. به همین خاطر سلامت اقتصادی فراهم می‌آید.

از سوی دیگر از لوازم اقتصاد سالم، نظام درست توزیع ثروت و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی است. درباره نقش قرض‌الحسنه در حاکمیت ارزش‌های اخلاقی باید به انگیزه‌های اساسی قرض‌دهنده توجه شود. چنان‌که گفته شد، پاداش آن جهانی، کسب اخلاق پسندیده و نوع‌دوستی از مهم‌ترین انگیزه‌های قرض‌دهنده می‌باشند. بدیهی است که با توجه به این امر، قرض‌الحسنه نهاد مناسبی برای حاکمیت ارزش‌های اخلاقی خواهد بود.

سلامت اقتصادی را از جهت دیگری نیز می‌توان مطرح کرد؛ اقتصادی را می‌توان سالم در نظر گرفت که بتواند تمامی جنبه‌های نیاز بشری را تأمین نماید. پرداختن به یکی از ابعاد انسان و غفلت از بقیه آنها نشان از عدم سلامت یک اقتصاد است. قرض‌الحسنه نهادی است که به تنهایی می‌تواند ابعاد مختلفی از نیازهای بشری را تأمین کند. از جهتی می‌تواند نیاز مادی نیازمندان را برطرف نماید و از جهت دیگر می‌تواند نیازهای معنوی صاحبان وجوه را تأمین کند؛ بدین خاطر می‌توان گفت که در ایجاد یک اقتصاد سالم نقش بسزایی دارد.

تولید ملی (اشتغال و کارآفرینی) و اقتصاد مقاومتی بـا پافشـاری بـر قرض‌الحسنه تولیدی

اصل مهمی که در حوزه اقتصاد مقاومتی بایستی مدنظر قرار گیرد توجه به لـزوم درون‌زایی در تولید ملی و ارتقای توان داخلی است. تولید مبتنی بر توان داخلی می‌تواند به عنوان هسته اصلی اقتصاد مقاومتی مدنظر قرار گیرد. به همین خـاطر می‌توان افزایش تولید ملی را مهم‌ترین هدف اقتصاد مقاومتی دانست؛ اما رسیدن به این هدف می‌تواند با پیمودن روش‌های مختلفی صورت گیرد. دخالت دولت، تکیه بر چند سرمایه‌دار بزرگ غیر دولتی و مشارکت مردمی، سـه روش اساسـی برای این منظور است. باید دید که کدام‌یک از روش‌ها در مقاوم‌سازی اقتصاد به صورت بهینه عمل می‌کنند. اموری که سبب می‌شود روش سوم با توجه به معیار مزبور از برتری خاصی برخوردار باشد، عبارت‌اند از:

الف) اقتصادی که بر مزیت عوامل انسـانی اسـتوار شـده اسـت دیگـر قابـل تحریم‌شدن نیست؛ به بیان دیگر، حداکثر مقاومت اقتصادی زمانی بروز مـی‌کنـد که بدنه مردمی فعال شوند. عاملیت مردم چه در حوزه کار و فعالیـت و چـه در حوزه تأمین سرمایه، اصلی‌ترین عاملی است که ثبـات و پایـداری فعالیـت‌هـای اقتصادی را تضمین می‌کند. توانمندسازی عوامل انسـانی جهـت نیـل بـه ارائـه هرچه بیشتر کار کیفی و ارتقای سطح تخصصی فعالیت‌ها اهمیت بسیاری دارد.

ب) اقتصاد مبتنی بر تصدی‌گری‌های گسترده دولتی سرچشـمه بـروز انـواع فساد بوده و کارایی کمی دارد.

ج) در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر مشارکت مردمی، وضعیت توزیـع ثـروت از همان ابتدا مشخص است. این در حالی است که اقتصاد مبتنی بر تعداد معدودی سرمایه‌دار بزرگ، موکول به انتهای دوره شـده و مشـخص نیسـت کـه بـه چـه صورتی انجام خواهد شد. این امر از توانمندی عموم مردم می‌کاهـد و مقاومـت

اقتصادی را کم می‌کند.

نکته دیگری که در تعیین مسیر رسیدن اقتصاد مقاومتی به ثروت ملی تأثیرگذار می‌باشد این است که در تولید، کدام‌یک از روش‌های کاربر یا سرمایه‌بر را انتخاب کند؟ مسلم این است روش نخست منتهی بر اشتغال‌زایی بیشتر و روش دوم نیازمند سرمایه اولیه بیشتر است. به نظر می‌رسد که روش اول با توجه به معیاری که در گذشته مطرح شد، برتری داشته باشد؛ زیرا در این روش مقاوم‌سازی اقتصاد به مراتب بیشتر حاصل می‌شود. البته همه اینها با فرض این است که با توجه به نظارت‌ها و تنظیم‌هایی که دولت انجام می‌دهد، تولید ملی به صورت کارآمدی افزایش یابد.

عنصر دیگری که در مورد ارتباط اقتصاد مقاومتی و تولید ملی دارای اهمیت است، توجه به نقش کارآفرینان است. اصولاً کارآفرینان در افزایش تولید نقش بسزایی دارند؛ زیرا با نوآوری‌هایی که انجام می‌دهند و با تغییراتی که در روش تولید و یا دیگر امور ایجاد می‌کنند، زمینه مناسبی برای افزایش تولید فراهم می‌کنند؛ اما در اقتصاد مقاومتی با توجه به اینکه در شرایط تحریم تولید صورت می‌گیرد نیاز به نوآوری دوچندان می‌شود. به همین خاطر اهمیت کارآفرینان در افزایش تولید بسیار زیاد می‌شود. اکنون باید دید که ابزار قرض‌الحسنه تولیدی چگونه می‌تواند مهیاکننده شرایط لازم برای روش افزایش تولید مبتنی بر مشارکت مردمی باشد؟

کالاها از جهت وابستگی مصرف آنها به سطح درآمد به دو دسته ضروری و لوکس تقسیم می‌شوند؛ کالاهای ضروری کالاهایی هستند که کاهش درصد خاصی از سطح درآمد، کاهش بسیار کمتری از مصرف آنها را به همراه دارد. درحالی‌که در کالاهای لوکس کاهش درصد خاصی از سطح درآمد، کاهش بسیار بیشتری از مصرف آنها را موجب می‌شود. البته با توجه به آموزه‌های اسلامی که مفهوم «شأن» را مطرح می‌کنند، می‌توان کالاهای ضروری را به

دوگونه تقسیم کرد: کالاهای ضروری فردی که مبتنی بر نیازهای عینی فرد است و کالاهای ضروری اجتماعی که ناشی از نیازهای عینی است که در اثر زندگی اجتماعی به وجود می‌آید. قرض‌الحسنه تولیدی با توجه به یکی از مهم‌ترین عناصر ماهوی‌اش، یعنی توجه به رفع نیازهای ضروری، می‌تواند در جهت تولید کالاهای ضروری استفاده شود. افراد این انگیزه را دارند که در جهت ایجاد اشتغال، وجوه خود را در مسیر تولید کالاهای ضروری قرار داده و به داوطلب‌هایی که قصد مشارکت در این امر را دارند، به مدت معینی قرض دهند. استفاده از این ابزار برای روش‌های تولیدی نوینی که توسط کارآفرینان پیشنهاد می‌شود، معنای واقعی‌تری پیدا می‌کند؛ زیرا معمولاً این روش‌ها همراه با ریسک بیشتر بوده و در مراحل اولیه سود چندانی ندارد. به همین خاطر قرض‌الحسنه تولیدی می‌تواند پشتیبان مناسبی برای این روش‌ها در مراحل اولیه باشد.

بایسته است در اینجا به این نکته توجه شود که قرض‌الحسنه تولیدی کارآمدی مهمی در حمایت‌های تولیدی دولت نیز می‌تواند داشته باشد. البته بهتر است برای روشن‌شدن این کارکرد قرض‌الحسنه تولیدی مفهوم اقتصاد ذره‌ای (Minimal Economics) مطرح شود؛ هدف اصلی در اقتصاد ذره‌ای توجه به کوچک‌ترین رفتارهای اقتصادی و انسجام‌دهی به آنها در جهت اثربخشی آنان برای رفع بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی است. در این اقتصاد از اتکای شدید به غول‌های اقتصادی پرهیز می‌شود. روش تولید در این اقتصاد، روش تولید ذره‌ای است؛ در این روش سعی می‌شود که اقتصاد بر کوچک‌ترین استعدادها متکی گردد و تمامی استعدادهای دیگر، در جهت انسجام‌دهی به این استعدادهای کوچک‌تر استفاده شود. به همین خاطر فضای کسب‌وکار باید بیشترین همت خود را در جهت تحقق فعالیت کوچک‌ترین استعدادها و انسجام‌دهی آنها صرف نماید. در این روش کسب بیشترین درآمد، اولویت اول نیست، بلکه به‌کارگیری بیشتر استعدادهای کوچک در درجه اول اهمیت است؛ بدین ترتیب

دولت‌ها می‌توانند در جهت ایجاد مشاغل ذره‌ای بـه افـرادی کـه داوطلـب کـار هستند، قرض‌الحسنه تولیدی دهند. لزوماً به این معنا نیست کـه ایـن وجـوه بـه افراد داده شود، بلکه ممکن است حق استفاده این وجوه به کارآفرینانی داده شود که در صدد ایجاد کارگاه‌ها و مشاغل جدید هستند. بدین معنـا کـه همزمـان بـا انجام مقدمات لازم برای ایجاد کارگاه‌ها و تأیید آن توسط دولت، داوطلبان کـار به بانک‌ها مراجعه کـرده و مراحـل تقاضـای خـود را بـرای اسـتفاده از وجـوه قرض‌الحسنه تولیدی طی می‌کننـد. پـس از تأییـد مراحـل، وجـوه بـه صـاحبان کارگاه‌هایی داده می‌شود که قصد استخدام این افراد را دارند. پرداخت اقساط نیز توسط کارفرمایان از درآمد به‌دست‌آمده در دوره‌های بعدی پرداخت می‌شود. در این روش هم کارفرما و هم کارگران مسئول پرداخت اقساط هسـتند؛ زیـرا ایـن وام فقط یک‌بار برای هر کارگر داده می‌شود، به همین خاطر او نیز انگیزه کـافی برای افزایش درآمد کارگـاه را خواهـد یافـت. در روش کنـونی کـه وجـوه بـه کارفرمایان داده می‌شود، فاصله انگیزشـی زیـادی میـان کارفرمایـان و کـارگران وجود دارد. علاوه بر اینکه، کارفرمایان خود را مقید بر اسـتفاده از روش کـاربر نمی‌کنند. بانک سرمایه‌های خود را میان کارفرمایـان بـدون هـیچ قیـدی توزیـع می‌کند. ایـن در حـالی اسـت کـه در روش اقتصـاد ذره‌ای بـا اسـتفاده از ابـزار قرض‌الحسنه تولیدی، بیشترین وجوه تنها به کارفرمایی اختصـاص مـی‌یابـد کـه بتواند برای بیشترین کارگر اشتغال‌زایی ایجاد کند. در واقع او تنها وکیلی اسـت برای استفاده بهینه از حق قرض‌الحسنه تولیدی که دولـت بـرای ایجـاد اشـتغال بیکاران اختصاص داده است.

در نظر داشته باشید در واقعیت اقتصادی که اقتصاد ایران در آن به‌سر می‌برد و از آن به حالت رکود تورمی یاد می‌شود، راه‌حل اصلی برخورد با تورم نیست؛ زیرا بسیاری از روش‌های رایج برای کاهش تورم، موجب تعطیلی کارخانه‌هـا و افزایش رکود می‌شود. بلکه حل مشکل را باید از مبارزه با رکود شروع کرد؛ امـا

مشکل اساسی روش‌های رایج ایجاد رونق اقتصادی، سرمایه‌محوری آنهاست. این امر سبب تزریق بیش از حد پول به اقتصاد شده و بر تورم می‌افزاید. به نظر می‌رسد که توجه به رویکرد اقتصاد ذره‌ای و استفاده از قرض‌الحسنه تولیدی راه‌حل مناسبی برای ایجاد رونق اقتصادی در این مرحله باشد؛ زیرا اثرات تورمی آن بسیار کم است. ذره‌ای‌بودن این وجوه و استفاده آن در مسیر تولید، سبب می‌شود که در دوره‌های بعد با سرعت لازم بر تولید افزوده شود و از شدت تورم بکاهد.

نتیجه‌گیری

دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱. توجه به عامل‌هایی چون انگیزش‌ها در تحلیل رفتارهای اقتصادی تأثیر بسیار دارد؛ بنابراین می‌توان «نیازمندبودن وام‌گیرنده» و «انگیزه معنوی و اخروی قرض‌دهنده» را دو رکن از ارکان قرض‌الحسنه به شمار آورد.

۲. رابطه میان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی را می‌توان بدین‌گونه تبیین کرد: این رابطه، عموم و خصوص من وجه است. اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد تا بتوان از ظرفیت‌های اقتصاد اسلامی نیز بهره کافی برد. همچنین برای ترسیم جایگاه قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی، می‌توان جایگاه آن را در اقتصاد اسلامی مطرح نمود؛ بدین منظور سعی شد در این پژوهش رابطه آن با ربا تعیین شود.

۳. مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. با توجه به ذهنیت فرد مسلمان نسبت به کراهت قرض‌گرفتن، قرض در نظر وی «درآمدی موقت و گذرا» به شمار می‌آید نه دائمی؛ بنابراین، طبق تئوری درآمد دائمی، قرض از این جهت بر تابع مصرف فرد تأثیری نخواهد داشت.

۴. اقتصاد مقاومتی اقتصادی عدالت‌محور است. این امر مستلزم تأمین حد

قابل قبول از بهره‌مندی از رفاه برای همه افراد جامعه (حد کفاف) است. در نهاد قرض ـ چه به صورت تعاون و چه در قالب معاونت ـ نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد و خرج‌کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی آثار مثبت بر جای می‌نهد که با کشش‌پذیری عرضه و قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، در زمینه کالاهای ضروری، همراه باشد وگرنه با افزایش تقاضا برای این کالاها، سطح قیمت‌ها فزونی می‌یابد و آثار توزیعی قرض خنثی می‌شود.

۵. اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ مردمی‌بودن را باید با توجه به میزان دخالت دولت تعیین کرد. دخالت دولت در سه سطح امکان‌پذیر است: برنامه‌ریزی، نظارت، تصدی. درباره نهاد قرض‌الحسنه، دخالت دولت در هر سه سطح مطرح است: اولاً برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های قرض‌الحسنه می‌تواند با تکیه بر یک برنامه کلان از سوی دولت باشد؛ ثانیاً نظارت بر تمامی فعالیت‌های نهادهای قرض‌الحسنه حتی‌الامکان باید صورت گیرد. معیار اصلی این نظارت نیز میزان مطابقت فعالیت‌های مزبور با ساختار انگیزشی این نهاد می‌باشد؛ ثالثاً در شرایط بحرانی همچون جنگ و رکود اقتصادی دولت می‌تواند در سطح تصدی‌گری نیز دخالت نماید.

۶. داشتن انگیزهٔ جهاد اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی است. مهم‌ترین عنصر مفهوم اصطلاحی جهاد، برخورداری از انگیزه غیر مادی است. انگیزه جهادی در قرض‌الحسنه را باید مربوط به قرض‌دهنده دانست که بی‌آنکه در پی سود باشد، مدتی از تصرف در مال خویش چشم می‌پوشد.

۷. نبود فساد و داشتن روابط اقتصادی سالم یکی از شروط اجرای اقتصاد مقاومتی است. یکی از عواملی که می‌تواند رابطه قرض‌الحسنه و سلامت اقتصادی را معین کند، به رابطه این نهاد با ربا بازگشت می‌کند. از سوی دیگر از

لوازم اقتصاد سالم، نظام درست توزیع ثروت و نیز حاکمیت ارزش‌های اخلاقی است.

۸. توجه به لزوم درون‌زایی در تولید ملی و ارتقای توان داخلی به عنوان یک اصل مهم در اقتصاد مقاومتی است. قرض‌الحسنه تولیدی با توجه به یکی از مهم‌ترین عناصر ماهوی‌اش، یعنی توجه به رفع نیازهای ضروری، می‌تواند در جهت تولید کالاهای ضروری و مقاوم‌سازی اقتصاد، استفاده شود. از سوی دیگر، می‌توان گفت با تکیه بر با مفهوم اقتصاد ذره‌ای، قرض‌الحسنه تولیدی نیز می‌تواند کارآمدی مهمی در حمایت‌های تولیدی دولت داشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. آهی، مهدی؛ **مقدمه‌ای بر جنبه‌ی عملی تعاونی**؛ تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.

۲. ابراهیمی، محمدحسین؛ **قرض‌الحسنه**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.

۳. ابن‌حنبل، احمدبن‌محمد؛ **مسند احمد**؛ تحقیق عبدالله محمد الدرویش؛ الطبعة الثانیة، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۱۴ق.

۴. بخاری، محمدبن‌اسماعیل؛ **صحیح بخاری**؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.

۵. الحر العاملی، محمدبن‌الحسن؛ **وسائل الشیعه**؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۸۷.

۶. الحلی، ابومنصور حسن‌بن‌یوسف؛ **المختلف الشیعه**؛ الطبعة الاولی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

۷. خدایار محبّی، منوچهر؛ **تعاون در اسلام و ادیان مختلف و جامعه صنعتی**؛ چ۲، تهران: بعثت، ۱۳۴۹.

۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ **درآمدی بر اقتصاد اسلامی**؛ قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۳.

۹. رجایی، مهدی؛ «طراحی ابزارهای مالی در نظام مالی بدون ربا»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، [بی‌تا].
۱۰. سیدعلیپور، سیدعباس؛ «بررسی نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایات»؛ **دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی**، اردبیل: مؤسسه پیشگامان فرهیختگان فرهنگ و اندیشه ولیعصر﵀، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، ۱۳۹۴.
۱۱. صدوق، محمدبن‌علی؛ **ثواب الاعمال**؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری؛ تهران: کتاب‌فروشی صدوق، ۱۳۹۲ق.
۱۲. عبداللهی، محمود؛ **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۳. عرب بافرانی، بهنام؛ «نقش قرض‌الحسنه در ا قتصاد مقاومتی»؛ **اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی**، ساری: شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز، دانشگاه پیام نور نکا، ۱۳۹۴.
۱۴. القبانچی، حسن؛ **شرح رسالة الحقوق امام سجاد**﵇؛ ج۲، چ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۵.
۱۵. قوامی، سیدحسن؛ اولین نشست اقتصاد مقاومتی؛ پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی﵀، ۱۳۹۱/۰۸/۲۰.
۱۶. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ **اصول کافی**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
۱۷. المجلسی، محمدباقر؛ **مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول**؛ چ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰.
۱۸. _____؛ **بحار الأنوار**؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۲.

۱۹. محنت‌فر، یوسف؛ «فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی»؛ **همایش اقتصاد اسلامی و توسعه**، ۱۳۸۷.
۲۰. مطیعی، رضا؛ «قرض‌الحسنه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری)»؛ **مجموعه مقالات سومین همایش ملی پولی و بانکی صندوق‌های قرض‌الحسنه**، ۱۳۹۵.
۲۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ **تحریرالوسیله**؛ تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، [بی‌تا].
۲۲. نجفی، محمدحسن؛ **جواهرالکلام**؛ چ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق.
۲۳. نراقی، محمدمهدی؛ **جامع‌السعادات**؛ چ۳، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳.
۲۴. الهندی، علاءالدین المتقی‌بن حسام‌الدین؛ **کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال**؛ حلب: مکتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
25. www.Khamenei.ir.
26. Samulson, Paul A. & Nordhous, William D.; **Economics**; Fourteenth Edition, Mc Graw-Hill, 1992.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی